

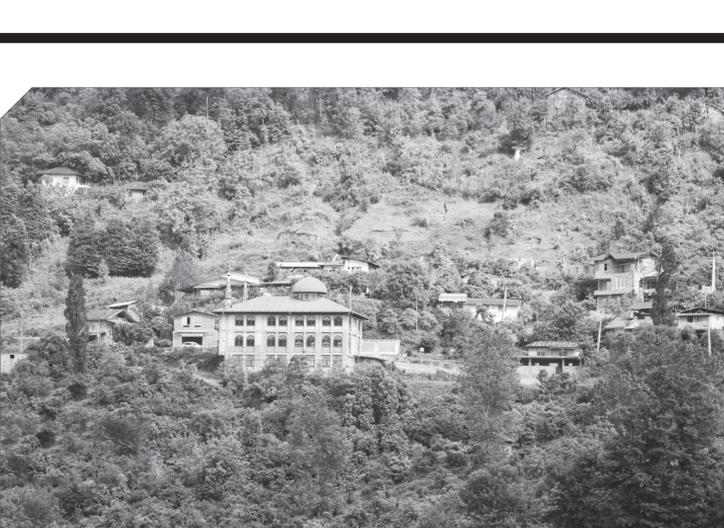
بیانیه تشکل‌های محیط‌زیستی دربارهٔ اثرات مولدسازی بر محیط زیست

ویرانی محیط زیست و گسترش فقر

«شبه‌تشکل‌های محیط زیست و منابع طبیعی نهادهای مدنی کشور- به تازگی در بیانیهٔ خطاب به ابراهیم ریئسی به تکرانی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی دربارهٔ مشکلات کشور در این حوزه و اقدامات دولت بی‌بندم مرتبط آن پرداخته است. بخشی از این بیانیهٔ صوبهٔ مولدسازی اموال مازاد دولتی را مورد نقد قرار داده است.

در مقدمهٔ بیانیه آمده است: «تزدیک به دو سال از آغاز به کار دولت جدید و تزدیک به چهار سال از برپایی مجلس کنونی می‌گذرد و این در شرایطی است که محیط زیست و منابع طبیعی سرزمین ما روزگار وحشی را طی می‌کند. یکی از منظومه‌های بحرانی کشور بی‌گمان مجموعه‌ای از چالش‌های زیست‌محیطی و بهره‌کنشی از منابع طبیعی است که در کنار دیگر چالش‌ها و پرسسما‌ها، تکررانی‌های جدی را برای همه مردم این سرزمین به ارمان آورده است.

می‌دانیم که بخش بزرگی از این چالش‌ها و گرفتاری‌ها از مجموعه سیاست‌گذاری‌ها، قانون‌گذاری‌ها و رویکردهای نامناسب محیط زیست و منابع طبیعی در دولت‌ها یا دوره‌های پیشین مجلس به مندرج و تصمیم‌گیران امروز کشور به میراث رسیده ولی وعده‌های هنگام کسب رای برای چاره‌اندیشی را فراموش نکرده‌ایم.



نگاهی به نظرات فعالان محیط زیست درباره مصوبه مولدسازی

حراج محیط زیست



فرزانه احدی

ایجاد ارزش افزوده برای دارایی‌های مازاد دستگاه‌های دولتی هستند. در تعریف این‌نامه اجرایی آن بر مای تعریف مولدسازی آمده است: «مولدسازی دارایی مازاد؛ هرگونه اقدام (اعم از فروش اجاره، معاوضه، تهاجر، مشارکت، بهره‌برداری اوراق بهاداری‌ها و اقدامات

متناه) که با ظرفیت بخش غیردولتی منجر به ایجاد ارزش‌افزوده اقتصادی شود.
۹۹ به تصویب سران سه قوه رسیده بود.
همان‌طورکه از اسم آن مصوبه می‌گویند:
همان‌طورکه از اسم آن بیادست، به دنبال مصوبه‌هایی از آن در ایجاد بسیار کوچک‌تر صورت گرفته است. مصوبه سران سه قوا به آن حتمی سیستمی می‌دهد.
حقیقت‌رضا گلزار کاندیدهای زیادی در این مصوبه وارد می‌داند: یکی از انتقادات، بحث قانون‌ناداشتن این مصوبه است. به این معنا که روند معمول برای تصویب قانون درباره این صوبه طی نشده است. این یک مصوبه در سطح سران سه قوه خودشان می‌گویند به ایجاد ارزش اقتصادی. افزایش ثروت ملی، تحقق اصلاح ساختار بودجه و افزایش بهره‌وری اموال دولت محسوب می‌گردد. ابتدا باید آن را در قالب لایحه ساختار بودجه و نظارت بر روند آن تشکیل شده است که معاون اول رئیس‌جمهور، امیر امیرمؤمنان و دارایی کشور و راه و فرسمازی و نیز وزیر سازمان بودجه و برنامه کشور، یک نماینده از طرف رئیس مجلس و یک نماینده از طرف رئیس قوه قضائیه در آن عضو هستند و در روند مولدسازی صوبیت قضاتی دارند. این طرح انتقاد بسیاری از فعالان اجتماعی و فعالان حوزه‌های مختلف را به دنبال داشت. بخشی از این انتقاد توسط کارشناسان و فعالان محیط زیست مطرح شد.
نگاهی به اموال مازادی که بعدتر اعلام شد، علت تکررانی آنها را مشخص می‌کند. زمین‌ها و باغاتی که در معرض فروش قرار گرفته‌اند، مشخص نیست در چه حوزه‌ای به کار می‌روند. علاوه بر باغات و زمین‌ها، سایر ثروت‌ها و دارایی‌های ملی نیز ممکن است در معرض تغییر کاربری قرار بگیرند. علاوه بر

پهنه‌های آبی کشور و مولدسازی

خطر بیخ گوش رودخانه‌ها

ایلام فربودنی؛ «مصوبه مولدسازی دارایی دولت که این روزها سر وصدای زیادی برپا کرده است یک سؤال را در حوزه محیط زیست به ذهن متبادر می‌کند. اینکه آیا مولدسازی پهنه‌های آبی مانند رودخانه‌ها، تالاب‌ها و آبپندان‌های طبیعی را هم دربر می‌گیرد؟

اگر بخواهیم بر اساس مصوبه مولدسازی از یک‌سو و قوانین و مقررات حاکم بر این پهنه‌های آبی، بستر و حرایم آنها را بسنجیم دیگر به این پرسش پاسخ می‌دهیم. باید بگوییم خیر؛ مولدسازی شامل منابع ملی و یک پیک محیط‌های آبی است و خیر؛ رودخانه‌ها و تالاب‌ها نمی‌شود. و این نتیجهٔ همان کمیسیون تخصصی و فعالیت‌های دولتی است.
در مورد پهنه‌های آبی، بستر و حرایم آنها را می‌توانیم به گونه‌ای تعریف کنیم که به هرگونه اموال غیرمقول که به هر نحو در اختیار دستگاه مشمول می‌باشد تعریف شده است.
رودخانه‌ها، تالاب‌ها و آبپندان‌های طبیعی بر اساس ماده ۱ قانون ملی‌شدن صوب سال۱۳۳۱، ماده ۵ و ۲ قانون توزیع عادلانه آب، مصوب ۱۳۳۶، ماده ۳ و ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع به عنوان منابع ملی تثبیت مالکیت شده‌اند. حرایم و اراضی مستحدث بیرون تالاب‌ها نیز بر اساس قانون اراضی مستحدث و ساحلی و عرض بستر حریم رودخانه‌ها و آبپندان‌ها و … در ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب تعیین تکلیف شده‌اند. سازمان منابع طبیعی کشور نیز بر اساس قوانین مذکور این عرضه‌ها را شناسایی، تثبیت و اسناد مالکیت آنها را به نمایندگی از مردم ارائه کرده است. اما وقتی به وقایع تفرقه بر این عرضه‌ها در عرفا قرارداتی که می‌بینیم نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که مسئله به همین سادگی نیست و در عمل مولدسازی می‌تواند علاوه بر اموال غیرمقول دستگاه‌ها، برخی از اراضی ملی و دولتی را هم دربرگیرد.

آنها در بند آخر بیانیه به موضوع مولدسازی پرداخته و دراین‌باره چنین نوشته‌اند: «مولدسازی، تکراری و ابیهامات، یکی از تکران‌کننده‌ترین موضوعات امروز کشور، طرح موسوم به مولدسازی است که در سال گذشته تصویب و زمزمه‌های اجرایی آن در سال جاری شنیده شده است. لفظ نامی خواصیم به جلوگیری اجرا و رعایت‌نشدن مسائل شکلی و مسرهای قانونی و لازم در تصویب چنین طرح گسترده‌ای وارد شویم. تهر

به برخی پرسش‌ها و درخواست‌های پاسخ‌گویی به افکار عمومی برای زدودن تاریکی‌ها و تاباندن نور تبر سباهی این برنامه بنسند می‌کنیم:

سراغز و خامسگاه کردم از این دارایی‌های ملی چیست و کجاست؟ آیا این دارایی‌ها به‌راستی آن‌گونه که نام بر آنها نهاده‌اند، «غیرمولد» و «باصرف» و «مازاد» است؟ بخش انبوهی از دارایی‌های ملی در این فروش ویژه، بی‌گمان دارای‌ها و ثروت‌های ملی و اراضی ملی بوده و بنا به درخواست نیاز یک یا چند دستگاه دولتی برای بهره‌برداری در راستای منافع ملی در بازه زمانی مشخص در اختیار دستگاه‌های دولتی قرار داده شده بود. اکنون این پرسش مهم مطرح است که اگر این دارایی‌های بی‌امانت سپرده‌شده مورد نیاز نیست، چرا نباید به جایگاه اولیه یعنی اراضی ملی بازگرداند؟

این دارایی‌های ملی با اجرای برنامه مولدسازی با چه روشی و چگونه به فروش می‌روند؟ درآمد حاصل

فروش با واگذاری آن نیست. اگر صحبت از فروش است چرا درباره افزایش بهره‌وری آن صحبت می‌کنیم؟ افزایش بهره‌وری به این معناست که اموالی در اختیار نهادهای است و برای بالابردن سود آن، تغییر روش کاربردی با حفظ مالکیت صورت می‌گیرد.
چرا مصوبیت؟

گلزار- به چند ماده در این مصوبه اشاره کرد: در ماده ۳ به صراحت درباره تغییر کاربری اموال مازاد دولتی صحبت شده است که این موضوع می‌تواند مشکلات زیادی را هم در بحث مدیریت شهری و هم در محیط زیست ایجاد کند. در این ماده گفته شده است: «مسیسویں ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران و شورای عالی شهرسازی و معماری ایران هر یک مکلف هستند طرف مدت حداکثر یک ماه نسبت به درخواست تغییر کاربری اموال (املاک) مازاد (راسالی توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام نظر قطعی نمایند. در صورت مخالفت یا عدم اظهار نظر شورای عالی، مرجع صدور پروانه ساخت، مکلف است با درخواست وزارت امور اقتصادی و دارایی، نسبت به صدور پروانه احداث، بنا مطابق با ضابطه عام ساخت (سطح اشغال- تراکم تعداد طبقات و کاربرد بنا) پهنه وقوع با حفظ کاربری زمین اقدام نماید. حوالا سؤال ما این است که این امتیازات برای چه در نظر گرفته شده است؟»

که او سایر ماده‌های مصوبه هم انتقاداتی را وارد می‌داند: «در ماده ۵ گفته شده است و یکسرد فضائی صمون هستند و مجربان تصمیمات این هیئت نیز در چارچوب مصوباتی که هیئت تعیین کرده است. از همین صوبیت برخوردارند. دلیل این صوبیت چیست؟ سؤال ما این است که آیا اعضای هیئت از هرگونه خطا دور هستند؟ این صوبیت از کجا و توسط چه مرجعی تشخیص داده شده؟ چطور می‌توان تصمیم داد که تصمیمات افراد دخیل، کاملا درست و مبتنی بر قانون و مصالح ملی است که چنین صوبیتی برای این افراد در نظر گرفته شده است؟»

این کشتگر محیط زیست دربارهٔ ماده ۶ مصوبه مولدسازی گفت: «در ماده ۶ آن بخش از قوانین کشور را که با تصمیمات این هیئت مغایر باشد به مدت دو سال موقوف‌الاجرا کرده است. یعنی برای یک مصوبه که هیچ‌کدام مصوبه مجلس ندارد، قوانین کشور را موقوف‌الاجرا کرده‌اند. گزارا ادامه داد: همه اینها وقتی به عنوان قطعات یک پازل در کنار هم قرار می‌گیرند، تکررانی را درباره آینده منابع ملی کشور بالا می‌برد.

نفس شهر با تغییر کاربری فضای سبز می‌گیرد

گلزار در ادامه به عواقب مصوبه مولدسازی برای محیط زیست پرداخت: «در حال حاضر این صحبت از واگذاری، فروش، تهاجر و به صراحت تغییر کاربری بخشی از اموال و املاک، است و جلای آن است که در این اراضی و املاک در دسته اموال عمومی قرار داد و متعلق به همه مردم ایران است و دولت به نمایندگی از مردم موظف به صیانت از آنهاست. تکررانی ما از شهری که در حال حاضر هم درگیر مشکلات زیست‌محیطی است، می‌تواند چالش پیشتر است. در ایران برای تبدیل یک متن یا نظریه به قانون، ابتدا باید آن را در قالب لایحه یا طرح مطرح کرد. سپس نمایندگان در صحن علنی مجلس به آن رای بدهند و اگر برای لازم رای به دست آورد به قانون تبدیل می‌شود. مصوبه مولدسازی این مراحل را طی نکرده است. نمایندگان مجلس به طور کلی از روند تصویب این متن کنار

گذاشته شده‌اند و نظر و دیدگاهشان در این مصوبه دیده نشده است. او به نتاقتی در متن اشاره می‌کند: «از سوی دیگر حداکثر تصاقاتی در بندهای از این مصوبه مشخص نیست. مثلا در ماده یک گفته شده هدف مولدسازی کمک به رشد اقتصادی و ملی‌محیط‌زیستی است. در اختیار صحنی نماینده‌ها قرار داد در ضمن اجرایی‌شدن این مصوبه و با تغییر کاربری به کارگاه‌های ساختمانی تبدیل شوند. افزایش بهره‌وری اموال مازاد دولت است. اما در بند نهم عدم همه صوبه، صحبت از واگذاری و فروش اموال مازاد می‌شود. اینکه مازادبودن اموالی که به نمایندگی از ملت می‌شود، طبق این بنش یک قطعه زمین وقتی به کمال مطلوب خود می‌رسد که عملیات ساخت‌وساز با حداکثر تراکم در آن صورت بگیرد، کمر زمین را خدا افریده است را برچی در

از فروش به چه مصرفی می‌رسد؟ خریداران چه کسانی هستند؟ خریداران قرار است با اموال خریداری شده چه کار کنند و کدام کاربری را به ویژه بر زمین‌های فروخته‌شده به کار بندند؟ آیا سیاست فروش اموال و این روش کوچک‌سازی دولت با توجه به چشم‌انداز اقتصادی کشور و سایر سیاست‌ها بوده یا با ردیف‌های بودجه همخوانی دارد؟»

آنها در ادامه گفته‌اند: «با توجه به نیاز مالی شدید برای خرید چنین اموالی، آیا دوباره مکانیسم‌های وام‌گیری کلان و سپس چاپ پول و افزایش تورم ملدسازی می‌شود؟ آیا قرار است برای فروش بهتر و آسان‌تر از ابزار ماماسات در قانون و نقض ضوابط شهری را سایر دستگاه‌های حاکمیتی بهره گرفته شود؟»

به عبارتی قرار است که همراه با فروش دارایی‌های ملی قانون و ضابطه‌فروشی هم انجام شود؟ آیا زمان اجرای طرح حتی اگر لازم باشد به‌درستی انتخاب شده است؟»

در اسین بیانیه آمده است: «بی‌گمان بخش خصوصی و همین‌طور دیگر نهادهای اقتصادی با باغ یا عرصه کشت نهال را برای نمونه در راستای اهداف خیر عمومی نخواهند خرید و به دنبال تغییر کاربری و ساخت‌وساز خواهند افتاد.

آن ساخته شود یا به سود مالی، به سود می‌رساند. مسعود امیرزاده فرحانی را که از زبان مسئولان شنیده است، شاهد می‌گیرد: «در کلام مسئولان صوبه مولدسازی می‌بینیم که مثلا فلان نهاد، باشگاهی دارد که می‌توان از زمین آن بهره بیشتری برد. در شهری که در حال حاضر دچار حقیقی زیست‌محیطی است، حتی یک درخت هم برایش حکم یک برگ حیاتی را دارد. ترجمه صحبت‌های مسئولان این است که باید اراضی تحت نظر وزارتخانه‌ها یا نهادها را هم در حالت طبیعی خارج و به یک ملک تبدیل کنیم که فروخته و کاربری زیادی بر آن اعمال شود. او از اینکه در مصوبه مولدسازی، تغییر کاربری اراضی و املاک آزاد گذاشته شده، اظهار تأفم می‌کند: «متأسفانه در مصوبه مولدسازی، هرگونه تغییر کاربری آزاد است. این در حالی است که اندک فضای سبزی که در اختیار نهادهای بوده و سالم مانده، سرمایه زیستی ضرر است و دولت وظیفه و توان حفاظت از آن را دارد. تا زمانی که این فضاها در اختیار دولت است، هزینه‌های نگهداری از آن را پرداخت می‌کند. اما به محض اینکه این فضا به دست بخش خصوصی می‌افتد، به دنبال حداکثر اشغال خواهد بود و دلیلی برای حفاظت از فضای سبز ندارد. او ادامه می‌دهد: «این موضوع درباره خاک هم صادق است. خاک در بیشتر شهرهای ما به‌واسطه جاده‌سازی و ساخت‌وسازها عایق شده است و وقتی باران می‌بارد همه آب تخریر می‌شود یا روان‌آب‌های ناسالم ایجاد می‌کند. این در حالی است که ما در شرایط تک‌دستی آبی هستیم و لازم است این آب به سفره ایخوان ورود و در فرونت‌های جالبوری کند». به تکیه او، «همچیز پول و تراکم و ساختمان نیست، خاک و زمین و فضای سبز هم باید سالم ماند. اراضی سبز در لابلاین سطح بهره‌دهی محیط‌زیستی خود هستند و باید به این نکته توجه کنیم که بهره‌دهی تنها محدود به کاربری اقتصادی نمی‌شود. ابعاد اجتماعی و روحی و روانی موضوع را نیز باید در نظر بگیریم، چراکه اگر همه شهر به جای فضای سبز به کارگاه ساختمانی تبدیل شود، مردم دچار مشکلات روحی زیادی خواهند شد. اما کسی به این نکات توجه نمی‌کند و تنها به کاربری زمین توجه می‌کند.

امیرزاده گفت: «محوطه‌هایی مانند دانشگاه‌ها مدارس یا ناهلسان‌های وزارت جهاد کشاورزی، فضای باز و محیط سبز هستند. شاید تولید نهال و درخت از نظر اقتصادی درآمدی نداشته باشد، اما اگر با اعمال دیدگاه اقتصادی، آنها را هم صورت بخش ساخت‌وساز بدیم باز به محیط زیست آسیب زداییم. اینکه انسان‌ها را به هر طور کسروی در کنار هم قرار دهیم، نتایج روحی خوبی نخواهد داشت.»

به گفته امیرزاده، وقتی محیط زیست آسیب بیند به اسین راحتی قابل جبران نیست. برای مثال خسارات حاصل از قطع و نبود درخت چناری که ۲۰۰ سال عمر دارد، در این راحتی جبران نمی‌شود.

معامله محیط زیست بدون نظارت

او به ابهامات موجود در صوبه اشاره می‌کند: «علاوه بر اینها باید بررسی کرد اموالی که به‌عنوان اموال مازاد دولت تشخیص داده شده‌اند چه هستند. بخشی از اموالی که اکنون در دست دولت است، برای اموال می‌بودند که در مناطقی به امانت در دست دستگاه دولتی قرار گرفته‌اند. این اموال نیز باید نظارت و مراقبت‌های بیشتری داشته باشند. به عنوان مثال مازاد شناخته شود. هر کدام اموالی که به عنوان مازاد رونمایی شده‌اند، اگر استه اراضی ملی است، باید به خاکسنگ اولیوه خود برگردد.

این فعال محیط زیست ادامه داد: این مصوبه در حالت کلی میهم است. خریداران این اموال چه کسانی هستند؟ کسانی که توان انجام چنین خریدهای کلانی را از دولت دارند، به‌عنوان اولویت‌دار خواهند بود. خریداران چه کاربری سودمندتری برای این ثروت عمومی جامعه در نظر دارند که در برنامه دولت بهتر است و باعث رشد ثروت ملی می‌شود؟ مکانیسم‌های فروش چه هستند و چه کنترل و نظارتی بر معامله وجود خواهد داشت که به مردمی‌ها و قیمت مناسب انجام شود؟ چه راهی برای جلوگیری از فساد احتمالی در نظر گرفته شده است؟ اگر اموالی خرید فرودخته شود، زبان اصلی به معامله خواهد رسید. چراغ خیر

به دولت، به جامعه است. از سوی دیگر باید بحث دولت گفته به دنبال فروش اموال کلان بر زمین هزینه‌هاست یا هزینه‌های خود را هم در جای سالی کم می‌کند. آیا فقط بحث مولدسازی مطرح است؟

به گفته او، محیط زیست مانند جنگل‌ها و رودخانه‌ها در دست دولت امانت است و دولت وظیفه دارد به آن رسیدگی و از آن محافظت کند. اگر این اموال به بخش خصوصی واگذار شوند، خریدار برای تأمین رفع شخصی خود، به دنبال ساخت‌وساز خواهد رفت. در واقع محیط زیست را تخریب خواهد کرد تا با باغ ملی برسد.

آیا چنین رخدادی افزون بر قانون‌شکنی و قانون‌فروشی، زمینه‌ساز ویرانی بیشتر محیط زیست و منابع طبیعی و گسترش فقر پایدار سرزمین نخواهد شد؟ آفتکار است که گزینش واژگان مناسب، الزاما زمینه‌ساز کارکرد و دستاوردهای خوب و مناسب برای یک طرح نیست. بی‌شک گزینش واژگانی ربا مانند «مولدسازی و فروش اموال مازاد» این طرح از آن برشش و نقد صوبن نمی‌دارد و نمی‌تواند برای آن ارزش و پشتوانه بسازد.»

در پایان بیانیه آمده است: «هر همه خریدمان قوم روشن است که برخورداری از سرزمینی پایدار نیازمند به پایداری زیستی و داشتن انبوهت‌های ناگزیری چون آب و خاک و هواست. نگذاریم که این داشته‌ها و دولت می‌خواهیم که در راستای پایداست کبان ایران‌زمین و امنیت زیستی آن کام بردارند و با بیارستن رویکردها و نگاه‌های ناهنجار نگذارند که گروهی با بهره‌گیری از پارهای نابسامانی‌های اقتصادی به اراضی ملی و ثروت‌های همگانی یورش برند.»

توسعه‌خواهی پروژه‌محور و نیز بی‌توجهی به مالکیت عمومی و تصاحب اراضی ملی از دیگر انتقادهای نویسندگان این بیانیه به عملکرد دولت‌ها در حوزه محیط زیست است.

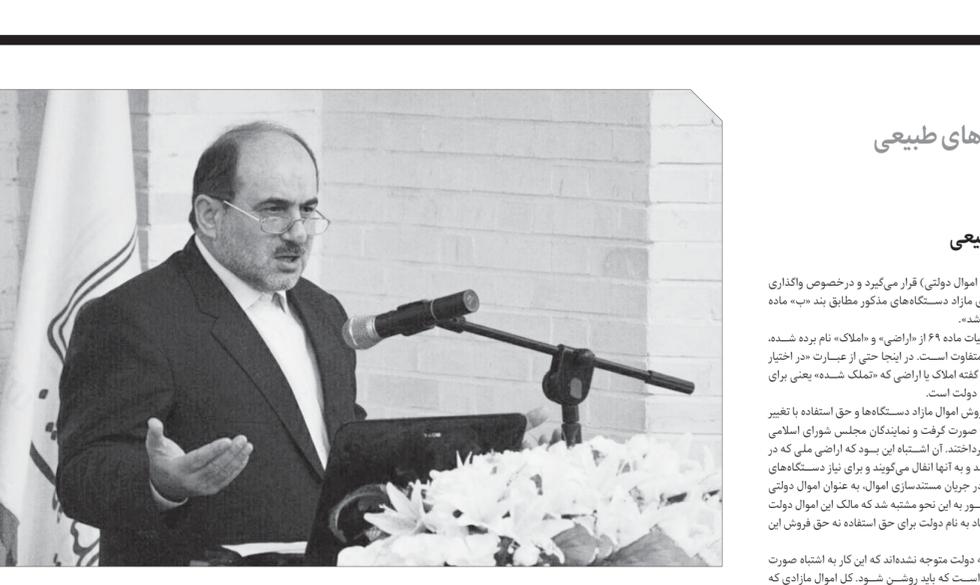
برونده‌ای برای مصوبه مولدسازی و تعارض آن با زیستگاه‌های طبیعی

مولد سازی یا تخریب محیط زیست؟

گفت‌وگو با بهزاد انگورج، معاون پیشین امور جنگل‌ها در سازمان منابع طبیعی

فرزانه احدی، مصوبه مولدسازی دارایی‌های دولت این روزها میان کارشناسان بخش‌های مختلف انتقادهایی را برانگیخته است و موافقان و مخالفانی دارد. کارشناسان محیط زیست نیز آن را برای آینده محیط زیست کشور مخاطره‌انگیز می‌دانند. بخشی از تکررانی‌ها در این زمینه به اراضی ملی برمی‌گردد که این روزها به امانت در اختیار نهاده‌ها و دستگاه‌های دولتی است و در صورت فروش آنها به عنوان اموال مازاد دولت، می‌تواند محیط زیست را در خطر تخریب بیشتر قرار دهد. برای بررسی اراضی ملی مانند جنگل‌ها دار، با بهزاد انگورج، کارشناس ارشد منابع طبیعی و معاون پیشین امور جنگل‌ها در سازمان منابع طبیعی کشور، به گفت‌وگو نشستیم.

● **شما از جمله کارشناسانی هستید که انتقاداتی را به طرح مولدسازی در زمینه حفظ منابع طبیعی و محیط زیست وارد دانستید. به عنوان کسی که از قوانین واگذاری اراضی ملی اطلاع دارد، برای ما بگویید چه اشکالات قانونی به این طرح وارد است؟**
بیینید: من با فروش اموال مازاد دولت برای تأمین منابع مالی مردم نیاز آن مخالف نیستم، اما در این زمینه نکاتی وجود دارد که باید به آن توجه کرد. قانون تنظیم‌بخشی از مقررات مالی کشور» در سال ۱۳۸۰ تصویب شد. ماده ۶۹ این قانون ۱۲ تبصره دارد که به واگذاری اراضی ملی یا در اختیار قراردادن به دستگاه‌های دولتی برای اجرای طرح‌حیثیاس می‌پردازد. در آن زمان قانون‌گذاران برای ساماندهی و تنظیم اراضی در اختیار دستگاه‌های دولتی مقررات مربوط در اسین ماده را تصویب کردند. هدف این بود که اسناد مالکیت اراضی، از نام دستگاه اجرایی به نام دولت جمهوری اسلامی ایران اصلاح شود و در اداره کل اموال دولتی وزارت اقتصاد و دارایی نگهداری شود. در این ماده تفاوتی نمی‌گردد که این اراضی به چه نحو به تمکک دستگاه‌ها درآمده است. واگذاری و در اختیار قراردادن اراضی یک روال اداری بود. قسبل از انقلاب و بعد از آن، برای اجرای طرح‌ها، بعضی اراضی ملی به بعضی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی اختصاص داده شده. با عنوان «تنظیم‌بخشی از مقررات مالی کشور، تصویب شد تا اسین اراضی را نظم دهد. بعد از آن وزارت اقتصاد و دارایی بر حسب ماده ۶۹ این‌نامه مستندسازی و تعیین بهره‌برداری اموال غیرمقول دستگاه‌ها را تدوین و در دولت تصویب کرد که به موجب آن برای این اموال انتقال سند به نام دولت جمهوری اسلامی انجام شد تا در آرتسویو این وزارتخانه نگهداری شود. محتوای مفاد ماده ۶۹ این قانون می‌گوید: «کلیه اراضی، املاک و ابنیه‌ای که برای استفاده وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی از جمله موسساتی که شمول قانون نظر دارند که در آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام یا تابع مقررات و قوانین خاص است و به یکی از طرق قانونی تمکک شده است و با هم آن را وزارتخانه، موسسه خیریه یا شخصی یا می‌شود متعلق به دولت بوده و در اسناد مالکیت آنها نام دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان مالک یا در اختیار وزارتخانه یا موسسه خیریه درج می‌گردد. تغییر دستگاه بهره‌بردار در هر مورد به عهده هیئت وزیران می‌باشد. کلیه اسناد، سوابق، مدارک موجود مرتبط با این اموال در اختیار وزارت امور



● **شما می‌گویید این قانون باعث شده که اراضی ملی در خطر قرار بگیرد. ارتباط آن با طرح مولدسازی چیست؟**

شاید دلیل این تناقضات این باشد که این قوانین و مصوبات بدون حضور یا با حضور اما بدون دفاع مؤثر نماینده سازمان منابع طبیعی مستندسازی شده و بدون حضور نمایندگان قانونی این سازمان انتقال سند شده است. به هر حال مسئله این است که وقتی متقاضی این اموال مازاد را از دولت بخرد، در آن ساخت‌وساز خواهد کرد. در حالی که آن زمین بخشی از اراضی ملی است و تغییر کاربری و ساخت‌وساز در آن ممنوع است. در برابر انتظار عموم، در این اراضی، به جای مولدسازی، حقوق عمومی مردم ایران می‌شود!

● **این موضوع به شکلاتی را به طور خاص می‌تواند ایجاد کند؟**
ایران کارآیجاست که حق استفاده اموال مازاد مباحثی دارد و می‌تواند چشک‌کاری شود؛ برای مثال تا پیش از آن اگر اموالی در دست دستگاهی بدون استفاده مانده و به اصطلاح مازاد بود، دستگاه دیگری می‌توانست بر حسب نیاز خود به اسناد ماده ۶۹ درخواست استفاده بدهد و اداره اقتصاد و دارایی آن را بررسی کند و به دستگاه متقاضی حق استفاده داده شود. اما وقتی به اسناد این‌نامه مستندسازی، انتقال سند انجام شد و اسناد را در اداره کل اموال دولتی جمع کردند، اسناد این اموال با اسناد مالکیت اموالی که به اسناد این‌نامه اموال دولتی دارای سند بودند اشتباه شدند. این‌نامه مستندسازی تعیین بهره‌بردار اموال غیرمقول دستگاه‌های اجرایی، یک موضوع را مشخص کرد. سند اموال به نام دولت ایران انتقال می‌خورد درحالی‌که ماهیتا زمین ملی و متعلق به عموم و با کار اموال دولتی که دستگاه‌ها از اشخاص خریداری یا اشخاص همه کرده‌اند متفاوت است.

یک مثال می‌زنم. در یکی از شهرهای کشور، یک زمین از اراضی ملی، به عنوان امانت در دست شهرداری بود تا آن روزیاله نفر کند. محل دفن بهداشتی زباله به دلیل مخاطرات در شهر تغییر کرد اما شهرداری محل، زمین زیلاندانی سابق را پس نداد و کاربری آن را تغییر داد. در نهایت این زمین به منابع ملی برگشت. حالا شهرداری از آن به عنوان زمین فوتبال استفاده می‌کند. در واقع بعد از اینکه انجام وظیف شهرداری در آن زمین منتهی شد یا به اتمام رسید، این نهاد باید آن را پس می‌داد. نه اینکه کاربری آن را عوض کند.



کوه راشناک از ارتفاعات و آمایش سرزمین